

اومانيسم و نقد دمکراتیک

ادوارد سعيد
ترجمة اکبر افسري

کتاب روشن

تهران ۱۳۸۵

اومانيسم و نقد دمکراتیک

ادوارد سعيد

ترجمة اکبر افسری



چاپ اول: ۱۳۸۵، تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

حروفچینی: چاپ نوشتار

چاپ و صحافی: موسسه جهان کتاب

حق چاپ و نشر محفوظ است



مدیر تولید: هوش آذر آذر نوش

مدیر فرهنگی: فریبا نیکزاد



تهران، صندوق پستی ۱۵۸۵۵-۵۵۹

تلفن: ۲۲۹۶۶۳۱۸ : فاکس: ۲۲۹۴۲۶۷۴

E-mail: ketaberoushan@hotmail.com

شابک: ۹۶۴-۹۰۱-۸-۵ ISBN: 964-90901-8-5

Said, Edward W

میداد، ادوارد، ۱۹۳۵ - ۲۰۰۳ م

اومانيسم و نقد دمکراتیک / ادوارد دبليو. سعيد؛ ترجمه

اکبر افسری -- تهران : کتاب روشن ، ۱۳۸۴ .

یازده، ۱۸۸ ص: رقعی .

ISBN 964-90901-8-5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

Humanism and democratic criticism. c2004.

عنوان اصلی:

کتابنامه

۱. انسانگرایی -- ایالات متحده -- جنبه های اجتماعی.

الفافسری، اکبر . ۱۳۱۷ - مترجم، ب. عنوان .

۱۴۲

شابک / B A ۲ ۱

۱۳۸۴

م ۸۴-۳۳۹۶۷

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب

هفت	درباره این کتاب و نویسنده آن
۱	پیشگفتار
۷	مقدمه
۱۱	۱ قلمرو اومانيسم
۴۶	ارجاعات
۴۷	۲ دگرگونی مبانی نظری و عملی اومانيسم
۷۷	ارجاعات
۷۹	۳ بازگشت به فیلولوژی
۱۱۲	ارجاعات
۱۱۳	۴ مقدمه‌ای بر محاکات، اثر اریش اویرباخ
۱۱۳	سرآغاز
۱۱۴	محاکات
۱۵۳	ارجاعات
۱۵۵	۵ نقش اجتماعی نویسندگان و روشنفکران
۱۸۵	ارجاعات

مقدمه مترجم

درباره این کتاب و نویسنده آن

آخرین اثر ادوارد سعید، اومانیزم و نقد دموکراتیک^۱، که پس از درگذشت نویسنده (۲۴ سپتامبر ۲۰۰۳) از سوی نشر دانشگاهی دانشگاه کلمبیا در مجموعه‌ای جدید با عنوان «مضامین فلسفی» منتشر شد، ترکیبی است از جستارهای سیاسی، اشارات زندگینامه‌ای، بررسیهای فرهنگی، تلمیحات تاریخی و مذهبی خاورمیانه‌ای، رویارویی با اندیشه نومحافظه‌کاران امریکایی، مخالفت با طراحی جنگ و کشتار در لباس پیشگیری از تروریسم، استدلالهای تازه و منصفانه درباره سرزمین محبوبش فلسطین، اندوهیادهای تبعید و آوارگی در جامعه مصرف و سرمایه، اندیشه‌سازی و «بی‌اندیشه»‌سازی همگانی توسط رسانه‌های جمعی، ادا کردن حق مطلب درباره «آرمانشهرهای فرهنگی» امروزی و بویژه دانشگاههای امریکایی و، از همه بالاتر، پرداختن مثال‌زدنی به نقد ادبی در قالب مقدمه‌ای بر یکی از امهات این رشته، محاکات: بازنمای

1. *Humanism and Democratic Criticism*, Columbia University Press, 2004.

واقعیت در ادبیات غرب^۱، اثر پروفیسور اویرباخ^۲ آلمانی که در دوران تبعیدش از آلمان نازی در ترکیه نگاشته شده است.

آکیل بیلگرامی^۳، استاد فلسفه در دانشگاه کلمبیا و سرپرست کتابهایی با درونمایه فلسفی، علاوه بر پیشگفتارهای توأم با اندوه که در مرگ ادوارد سعید نگاشته و ترجمه آن در ابتدای کتاب حاضر آورده شده، به صورتی ویژه نظر خود را درباره این کتاب در حاشیه چنین آورده است^۴:

در تغییری ریشه‌ای و از نظر سیاسی بشدت تهاجمی شده فضایی که ایالات متحد - و به درجاتی متفاوت بقیه جهان - را پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ فراگرفته است، مسئله فرهنگهای متکثر گوناگون که بتوانند هماهنگ و خلاق در کنار یکدیگر همزیستی مسالمت‌آمیزی داشته باشند چیزی در حد «داستانهای شگفت» می‌نماید. آیا در این زمانه دشمنیها و هجومها و پرخاشها اصول مردمسالاری و ارزشهای انسان‌گرایانه چیز بی‌ربطی هستند؟ آیا این همه، خیالپردازیهای آرمانشهرگرایانه است؟ یا آنکه بیش از همیشه ضرورت و فوریت پیدا کرده‌اند؟

از زمان بالاگرفتن کار نظریه‌های انتقادی و مطالعات فرهنگی گوناگون در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، اندیشه اومانيسم سنتی در معرض هجوم قرار گرفت و اغلب به عنوان صدای نهادهای مذکر و تسامح‌ناپذیر محکوم می‌شد و به‌طور منظم همدست اروپامداری و حتی امپریالیسم معرفی می‌گردید. مکتبی که زمانی شخصیت‌های ادبی و ادبیاتش مقدس

۱. *Mimesis: The Representation of Reality in Western Literature*، نظریه تقلید،

بازنمایی واقعیت و طبیعت، و بالآخره نظریه «بازتاب».

2. Erich Auerbach

۳. Akeel Bilgrami، استاد فلسفه در دانشگاه کلمبیا و دبیر بخش مضامین فلسفی نشر دانشگاهی دانشگاه مذکور.

4. *Humanism and Criticism*, Columbia Themes philosophy, Columbia Univ. Press, 2004.

شمرده می‌شد، بیش از آنچه حرمت ببیند احتمالاً پوچ و مهمل شمرده می‌شد. در حالی که چنین دگرگونی لرزاننده‌ای - همراه با پیشرفتهای فن‌آوری، تخصص‌گرایی روشنفکرانه، و حساسیت‌های فرهنگی - اصول اولیه اومانیسم کهن را ظاهراً محو کرد، ادوارد سعید استدلال می‌کند که صورت والای مردمسالارانه در اومانیسم - آن صورتی که هدفش مشارکت، رهانیدن، و روشنگری است - هنوز هم قابل دسترسی است.

سعید که عمری دلبستگی به اومانیسم را پشت سر گذاشته، به گفته بیلگرامی، معتقد است که خود-آگاهی^۱ هنوز هم بالاترین دستاورد انسان است و هدف واقعی اومانیسم هم همین است. اما ادوارد سعید در عین حال بر آن است که خود-آگاهی بدون انتقاد از خود^۲ بدون آگاهی حاصل از مطالعه و تجربه‌ورزی درباره سایر آدمها، سنت‌ها، و اندیشه‌ها امری دست‌نیافتنی است.

بیلگرامی ادامه می‌دهد: بر اساس نظر سعید، «بحران اومانیسم» مبتنی بر درک ناصحیحی است که معتقد است اختلافی برطرف ناکردنی میان سنت‌های موجود و پیچیدگی جهان در حال تحول وجود دارد. در عین حال چنین اعتقادی عاجز از آن است که درک کند که متفکران جزم‌گرای امروزی همان انقلابیون دیروزی‌اند و البته سرشت آدمی است که می‌پرسد، آرام نمی‌گیرد، و دگرگون می‌سازد.

قابل ذکر است که دو مقاله سعید در این کتاب، بیشتر از بقیه، صبغه ادبی دارد: یکی در باب بازگشت به فیلولوژی (زبان‌شناسی تاریخی) که پیشنهاد سعید این است که کلاسیک‌ها را می‌بایست از هر نظر با سعه صدر بیشتری خواند زیرا، به قول بیلگرامی: «کلمات تنها نشانه‌های خشی

1. self-knowledge

2. self-criticism

و منفعلی نیستند و سعید آنها را کارگزاری فعال در تغییرات تاریخی و سیاسی می‌داند؛ و دیگری مقدمه سعید بر آخرین چاپ اثر معروف اویرباخ، محاکات، است که متأسفانه با آنکه غالب آثار به اصطلاح «اولترامدرن» نقد به فارسی ترجمه شده، مثل بسیاری دیگر از آثار پایه‌ای رشته‌های اندیشه، هنوز محاکات به فارسی درنیامده است. بیلگرامی در پیشگفتار خود معتقد است: «با ملاحظه ظهور مسئولیت‌های بیشتر روشنفکران و نویسندگان در دنیایی که به صورتی فزاینده ارتباط درونی آن با اجزایش بیشتر می‌شود،» ادوارد سعید با انتخاب اثری در نقد ادبی، که پس از پنجاه سال همچنان دوام آورده، و در «دنیایی که نظریات نقد ادبی مدرن دسته‌دسته به فراموشی سپرده می‌شوند» هنوز مورد استناد، ارجاع، و تدریس است، کاوش در تأثیر و ماندگاری آن را موردی قانع‌کننده جهت تکامل اندیشه اومانستی معرفی می‌کند.

ادوارد سعید در سال ۱۹۳۵ در بیت المقدس متولد شد و در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۳ در نیویورک درگذشت. آثار او، با شماری بیش از بیست جلد، به سی و شش زبان از جمله فارسی ترجمه شده است. از مهمترین کتابهای او: سرآغازها (۱۹۷۵)، مسئله فلسطین (۱۹۷۹)، شرقشناسی (۱۹۷۹)، اسلام رسانه‌ها (۱۹۸۰)، تجدیدنظر و ویراسته جدید (۱۹۹۶)، جهان، متن، مستند (۱۹۸۳)، دور از مکان (۱۹۹۹)، تأملی در آوارگی و دیگر مقالات (۲۰۰۱)، قدرت، سیاست، و فرهنگ (۲۰۰۱)، فروید و غیراروپایی‌ها (۲۰۰۳)، و آخرین اثر او، کتاب حاضر، اومانيسم و نقد دموکراتیک (۲۰۰۴) است. سعید استاد ادبیات انگلیسی تطبیقی دانشگاه کلمبیا بود و پس از مرگش چند ماه طول کشید تا استادی را جانشین او سازند. او رئیس انجمن زبانهای مدرن امریکا، عضو فرهنگستان علوم و هنر امریکا و نیز فرهنگستان ادب و هنر آن کشور، عضو انجمن فلسفی، و از اعضای انجمن سلطنتی ادبیات

بریتانیا بود؛ و اولین امریکایی بود که جایزه معتبر سلطان اویس از «جهان عرب» به او تعلق گرفت.

سعید مدتها عضو شورای ملی فلسطین به رهبری یاسر عرفات و سخنگوی شجاع و جسور و مستدل مردم فلسطین در امریکا بود اما پس از قرارداد اسلو راهش را از عرفات جدا کرد. او از بیست دانشگاه معروف جهان درجه دکترای افتخاری داشت که در شرق، دانشگاههای جواهر لعل نهرو و قاهره، و در غرب، دانشگاههای شیکاگو و ایرلند از آن جمله‌اند.

در پایان جا دارد از بیژن افسری که تقبّل زحمت ارسال متن کتاب را مثل همیشه پذیرفت و از دوست عزیز و فاضل دکتر هرمز همایون‌پور که، علاوه بر مدیریت انتشارات روشن، خود از علاقه‌مندان قدیم و دقیق مباحث نقد و مطالعات فرهنگی است و نگاهی دقیق و «ویراستارانه» بر سراسر این ترجمه افکند، و نیز دیگر همکاران مؤسسه روشن بویژه سرکار خانم فریبا نیک‌زاد سپاسگزاری کنم.

اکبر افسری

پاییز ۱۳۸۴

پیشگفتار

میراث روشنفکرانه ادوارد سعید، اساساً میراثی سیاسی به‌شمار می‌رود. به خاطر شهادت فوق‌العاده سیاسی‌اش، به خاطر آنکه در راه اهداف آزادی فلسطین پی‌درپی دل‌شجاع او درهم می‌شکست، به علت آنکه بسیاری از آثار مشهور و شناخته‌شده‌اش پیگیر اندیشه‌مندانه مضامین و مبارزه‌جوییهایی سیاسی از این دست است، و از آنجا که این همه در نثری بیان می‌شود که نیروی برانگیزنده‌اش به نمایش گذاشتن کنش سیاسی است — نه تنها در تصور همگان، یحتمل در دیدگاه پژوهشهای دانشگاهی نیز میراث روشنفکرانه او سیاسی خواهد بود. این امر اجتناب‌ناپذیر است و شاید هم همین‌گونه می‌بایست باشد. اما کتاب حاضر، آخرین کتاب کاملی که او نوشته است [و پس از مرگ او منتشر می‌شود] به ما اجازه می‌دهد که در زمینه فلسفی گسترده‌تری، در اندیشه اومانیستی او به این میراث بنگریم — اومانیسم شاید تنها واژه یا پسوند «ایسم» بود که ادوارد سعید، به‌رغم آنکه در چند دهه گذشته نظریه ادبی با تحولات پیشگامانه آن را واهی و بی‌اساس جلوه می‌داد، با آرمانهای سرکش خویش پذیرایش بود.

این کتاب حاصل گفتارهای درسی سعید در دانشگاه کلمبیا است که

نخست توسط جاناتن کل^۱ برای چاپ در نشر دانشگاهی کلمبیا تدارک دیده شده بود و اکنون در رشته کتابهای مضامین فلسفی آن دانشگاه به زیور طبع آراسته شده است. بررسی اجمالی احساسات مدنی و تصویرپردازیهای متعهدانه سخنرانیهای سعید خود بحثی است عمیق و ساختارمند.

از نخستین گفته‌های کلاسیک تا ظریفترین قرائتهای موجود زمان ما، دو عنصر فراگیر کلی در آموزه‌های گوناگون اومانیسیم جای خود را حفظ کرده‌اند؛ که در یک بازنگری بر گذشته می‌توان این دو عنصر را دو قطب مشخص اومانیسیم نامید. یکی، سودای این دارد که ویژگی یا ویژگیهایی پیدا کند که آنچه را انسانی است مجزا سازد - هم مجزا از طبیعت، یعنی آنچه علوم طبیعی آن را مورد بررسی قرار می‌دهد، و هم کنار گذاردن آنچه فوق طبیعت و فراسوی حس و استعلایی است، چیزهایی که حاجت‌طلبیهای یزدان‌شناختی یا ماوراءالطبیعه‌ای محض آن را پیگیری می‌کنند. قطب دیگر، قطب اشتیاق به هر آنچه انسانی است، به هر آنچه انسان در هر جا بتواند آن را بیابد و هر چه بیشتر هم از حضور تنگ‌نظریهای پرزرق و برق حاضر به دور باشد. مثل سائر «هیچ‌چیز انسانی با من بیگانه نیست»^۲ هنوز مؤثر است و، به‌رغم اصل افسانه پیش‌پاافتاده‌اش، دربردارنده چیزی از این اشتیاق است.

با چنین قطبهایی که پیچیدگی و خطوط متقاطع این کتاب را تشکیل می‌دهند، نقشهای مورد بحث برجسته می‌شوند. در یک قطب، سعید برای بررسی آنچه انسان را مجزا می‌سازد، قبل از همه بر اصلی ویکو^۳ انگشت می‌گذارد که ما آنچه را خود ساخته و شکل داده‌ایم بهتر

1. Jonathan Cole

۲. ظاهراً اصل گفته از سنکا (Seneca) فیلسوف رواقی رومی است. فوت او ۵۷ میلادی و تولد او نامعلوم است. [پابریگهای سراسر کتاب، برافزوده مترجم محترم است. - ناشر.]

۳. Vico (۱۶۸۸ - ۱۷۴۴)، فیلسوف و مورخ ایتالیایی.

می‌شناسیم - تاریخ، بدین ترتیب، خودآگاهی خصیصه‌ای است که از سایر صورتهای آگاهی جدا می‌شود و تا آنجا که می‌دانیم تنها انسان است که قابلیت خودآگاهی را دارد. در قطب دیگر، سعید در جهت تقویت اندرز سنکا، درست در آغاز، چنگ به مسئله اصلی می‌زند، و درباره وقت بد مصائب پیش رو هشدار می‌دهد؛ مصائبی که در واقع هم‌اکنون هم بر سرمان سایه افکن شده است - اگر به عنوان یک روشنفکر به دغدغه‌ها و رنجهای مردمان دور از ما، دور از ساحت بزرگشهرهای غربی‌مان، این مکانهای منافع شخصی‌مان، بی‌تفاوت نباشیم.

هرچند ممکن است این دو قطب به‌طور نسبی در جای خود و در تغیرپذیریهای شدید رشته‌ای از عقاید که ما آنها را «اومانیستی» می‌خوانیم ثابت باشند، این دو ویژگی قطبهایی جدا از یکدیگر نیستند. اینها عناصر نامربوط و اتفاقی اومانیسم نیستند. این دو می‌بایست در دیدگاهی منسجم گرد هم آیند.

سعید برای پل زدن میان فاصله این نقطه‌های آغازین، گزارش خود را گسترش می‌دهد، و نخست در یک قطب با تکمیل پیش ویکو و با یک افزودن فلسفی چشمگیر، آنچه ویکو روشن می‌سازد، ظرفیت خاص انسان است برای خودآگاهی و ویژگی استثنایی که این خودآگاهی در میان صورتهای دیگر آگاهیهای ما داراست. این ویژگی استثنایی که از زمان ویکو تا حال با واژه‌هایی چون ^۱Verstehen و ^۲Geisteswissenschaften، یا آن‌طور که ما در امریکا دوست داریم بنامیم «علوم اجتماعی»، تکامل پیدا کرده، هنوز هم اشاره خاصی به نقش و مرکزیت انسانیت ^۳ ندارد.

۱. شناخت ۲. علوم معنوی

۳. Humanities، «... ادبیات یونان و روم را از این جهت که آنها را مبین عالی‌ترین ارزشهای انسانی می‌شمردند، انسانیت می‌نامیدند» (جلد اول دایرةالمعارف مصاحب). این تعریفی ساده و رسا و در عین حال مقدماتی از این واژه است. سعید در این کتاب به تاریخ

حتی عنوان این درس گفتارها به تنهایی نمی‌تواند به ما مفهوم اومانیسیم را منتقل سازد. سعید مدعی است تا زمانی که خود-آگاهی را با انتقاد از خود تکمیل نکنیم، یا در حقیقت تا زمانی که ندانیم که خود-آگاهی با انتقاد از خود است که ساخته می‌شود، اومانیسیم و جلوه‌های علمی آن (انسانیات) هنوز در افق مشاهده نمی‌شوند. آنچه این اِکمال را فراهم می‌سازد و شناخت تازه‌ای را امکان‌پذیر می‌کند، مطالعه ادبیات است. کوتاه‌سخن آنکه، مطالعه ادبیات - یا بهتر «نقد ادبی»، چیزی که سعید عمری پیگیر آن بود - هنگامی که با خود-آگاهی، به کمال رسانیده شود شکوفایی واقعی توانایی بی‌همتای انسان را به ارمغان می‌آورد: ظرفیت خود-ناقدی^۱.

سپس، گردش به سوی قطب دیگر، اینکه چگونه اشتغال ذهن به تمام آنچه انسانی است، نه برحسب اتفاق بلکه به ضرورت می‌تواند با توانایی نقد خویشتن ما ارتباط پیدا کند؟ چرا این دو عنصر متفاوت به‌سادگی در فهم ما از اومانیسیم حضور ندارند؟ پاسخ سعید این است که هنگامی که نقد در دانشگاه‌های ما تنگ‌نظرانه نباشد، هنگامی که نقد، مفاهیم و سنت‌های سایر فرهنگها را مطالعه کند، روزنه‌بازی است که می‌تواند منتقد خویش باشد، منابعی که با تمرکز کوته‌نظرانه و راحت‌اندیش در دسترس قرار نمی‌گیرند. چنین است که «دیگری» منبع و ذخیره‌ای برای شناخت بهتر انتقاد از «خود» است. مهم است مشاهده شود که در نظر سعید جاذبه آرمان سنکا به نوعی بت‌پرستی، تنها به خاطر تنوع یا در آغوش کشیدن ظاهری و «درست» جاذبه گوناگون فرهنگها در زمان

۱- انسانیات و وجوه مختلف آن می‌پردازد و همان‌طور که بیلگرامی در مقدمه می‌گوید، ادوارد سعید با این کتاب به «انسان‌گرایی» و «انسانیات» رونق تازه‌ای بخشیده و آن را در حد یک آموزه مدرن و امروزی ارتقا داده است. مهم این است که او به ادبیات یونان و روم اکتفا نکرده، بلکه ادبیات جهان را در «انسانیات» سهم کرده است.

حاضر تنزل پیدا نمی‌کند. این گامی استوار در مسئله مورد بحث کتاب است که با ویکو آغاز و با ارتباط اومانیسیم در زندگی و سیاست امریکا پایان می‌پذیرد. تکثرگرایی فرهنگی^۱ دفاعی متأملانه‌تر و ماهرانه‌تر از آنچه در این کتاب پیشنهاد شده است ندارد.

کتاب هرچند بسیار مختصر است، سخت گشاده و آموزنده است. با اتخاذ ارتباط روش‌شناختی میان دو قطب اومانیسیم، که سعید آن را مشخص کرده است، امکان می‌یابیم تا آنچه را در اثر شاخص ویکو لاینحل مانده بود حل کنیم یا پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در گره‌گشایی آن به‌دست آوریم - تنش میان تاریخ و عامل انسانی. تاریخ‌گرایی، آموزه‌ای که از فلسفه ویکویی سر برآورد، همواره این تنش را به صورت مزاحمتی استثنایی عرضه نموده است. خود را دیدن در آینه تاریخ، خود را دیدن همچون یک شیء، همچون ابژه‌ها، دیدنی همچون صیغه سوم شخص نه چون سوژه‌هایی آگاه یا عاملی صاحب‌منظور به صورت اول شخص. این مشابه همان تنشی است که در نقد کلیفرد از سعید درباره اثر متقدمش شرقشناسی منعکس شد که سعید بزرگوارانه در همان ابتدا اذعان کرد که او نمی‌تواند با دستاویزی فوکویی انکار سوژه انسانی و عاملیت آن را با مباحث اومانستی روشنفکرانه خود آشتی دهد. اما اگر استدلالی که من در این درس‌گفتارها یافته‌ام کارا باشد، اگر این استدلال به ما اجازه دهد که تأکید نوشته ویکو بر تاریخ بتواند به مبنایی کاملاً جهانی برای نقد از خویش تبدیل شود، ما بیشتر راه را برای برطرف ساختن چنین تنشی پیموده‌ایم. حال بسیار راحت می‌توانیم تأکید کنیم و تاحدودی بحق، همان‌طور که سعید کرده، که نقد ظاهراً دو چیز متناقض در خود دارد. نقد نوعی فیلولوژی است، «تاریخ» واژه‌ها است، «پذیرش» سنت است، و در

همان حال «مقاومتی» است در برابر سنت و سراپرده‌ای از عادات که کلمات برمی‌افرازند.

بنابراین، این کتاب به اومانیسم جرئت و توانی روشنفکرانه و بحث‌انگیز می‌بخشد، و آن را از آموزه کپک‌زده‌ای که در قرن پیش داشت متمایز می‌کند — و این به آنان که از این آموزه سرخورده و حداقل از آن ملولند چیزی زنده‌تر و مهم‌تر از فرمول‌های خشک و نسبی‌گرایانه این سالها می‌دهد. برای همه اینها می‌بایست از ادوارد سعید سپاسگزار باشیم.

آکیل بیلگرامی

مقدمه

سه فصل اصلی این کتاب نخستین بار در ژانویه ۲۰۰۰ به عنوان یک رشته سخنرانی سالانه در دانشگاه کلمبیا، در سلسله مباحثی که از سوی این دانشگاه و مرکز نشر دانشگاهی آن درباره جنبه‌های فرهنگ امریکایی برپا گشته بود، ایراد شد. دعوت اصلی از سوی رئیس دانشگاه، جانانتن کل، صورت گرفت، دوست عزیز و همکاری دیرین که تعهدات او در برابر معیارهای روشنفکری و پژوهشهای آزاد کمک کرده است تا دانشگاه ما به چنین جایگاهی دست یابد. در اکتبر و نوامبر ۲۰۰۳ سخنرانیه‌ها را به چهار سخنرانی افزایش دادم، و نه تنها با تغییری قابل ملاحظه آنچه چهارمین سخنرانی محسوب می‌شود به عنوان فصل چهارم (که درباره شاهکار اویرباخ، محاکات، است) به کتاب اضافه گردید، بلکه بر محیط دگرگون‌شده سیاسی و اجتماعی نیز تأکید شد.

این چهار سخنرانی با دعوت کریمانه «مرکز مطالعات هنر و علوم اجتماعی و انسانی»^۱، که سرپرستی آن را پروفسور یان دانلدسن^۲ در

دانشگاه کیمبریج برعهده داشت، در آن مرکز ایراد شد. همسرم، ماریام، و من از میهمان‌نوازی دلپذیر کینگز کالج برخوردار شدیم و بی‌اندازه از محبت‌های همکارانم در آن دانشگاه و مرکز سپاسگزارم.^۱

آنچه میان دو تاریخی که در بالا از آنها یاد کردم گذشت، ماجرای ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود. فضایی دگرگون، ایالات متحد امریکا و با درجات مختلف تمامی جهان را دربرگرفت. جنگ علیه تروریسم، نبرد در افغانستان، و حمله امریکا و انگلستان به عراق، همه اینها باعث سر برآوردن دنیایی با خصوصیتی شدیدتر، و ایستار امریکایی بس متجاوزانه‌تری نسبت به جهان گردید. با توجه به پیش‌زمینه فرهنگی‌ام شاهد بالا گرفتن تضادی شوم بودم میان آنچه با برچسب «اسلام» و «غرب» خوانده می‌شود، و دیری است که من آنها را گمراه‌کننده و بیشتر مناسب برانگیختن تعصب کور و سوداهای جمعی یافته‌ام و نه فهم درست، و باید به صورتی تحلیلی و انتقادی ساختارشکنی گردند. بسیار دور از جنگ، این فرهنگها باهم زیسته‌اند و با یکدیگر در کنش متقابل پرباری به‌سر برده‌اند. به خاطر این اندیشه اومانستی همزیستی و مشارکت فرهنگها است که تحریر این صفحات مفهومی دارد، حال اگر موفق هم نشده باشد، حداقل من از تلاشی که کرده‌ام خشنودم.

به دلیل چنین مقتضیات شخصی و عمومی، سخنرانیهای من درباره اومانیسیم امریکایی و تأثیر آن بر جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، نه سخنی به ضرر قاطع است و نه دعوت به قیام مسلحانه. بدیهی است سعی می‌کنم در صفحاتی که پیش روست واژه‌ها حرف خود را به‌روشنی بیان کنند، اما مایل‌م بگویم آنچه من با تأویل به دنبالش هستم بحث در باب

۱. چند سطری که همه در تشکر از همکاران و نامه‌های دانشگاهی نامشهور بود و برای خواننده فارسی‌زبان هیچ سودی در بر نداشت حذف شد.

جنبه‌هایی از موضوع است که نزد من بیشترین اهمیت را دارند. مثلاً همواره تعجب کرده‌ام که به چه علت و چگونه اومانیسیم، به نسبت حوزه‌ها و فعالیت‌های فکری، قلمروی محدود به‌شمار آمده و سزاوار مرتبه‌ای مانند جامعه‌شناسی یا علوم سیاسی نشده است؛ این همان چیزی است که در فصل اول درباره آن بحث کرده‌ام. دوم، با توجه به اینکه در چند دهه گذشته شاگرد و معلم مبحث اومانیسیم در دانشگاه بوده‌ام، مهم است بگویم که تا چه اندازه دنیای آموزش و پرورش من و نیز دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم بکلی تغییر کرده است، و از همین‌رو، وظایف یک اومانیسیت گاهی به نحوی عجیب از آنچه جهان اکنون از ما انتظار دارد فاصله گرفته — و هیچ‌گاه این فاصله بیشتر از ۱۱ سپتامبر به بعد نبوده است. در بخش سوم کتابم از نقش قاطع فیلولوژی [زبان‌شناسی تاریخی] و استفاده‌ای که من از آن کرده‌ام همراه با قرائتی توصیفی، تخیلی، و دقیق سخن می‌گویم، به امید آنکه گشایشی مهذب و فرهیخته به آنچه متن می‌گوید (و به همراه این گشایش، تاحدودی مقاومت) به سوی جاده اصلی فهم اومانیسیتی در گسترده‌ترین و مناسب‌ترین مفهوم آن فراهم گردد.

بخش دیگری هم به این کتاب اضافه کردم که می‌تواند نقطه‌ای پایانی محسوب شود، با عنوان «نقش عام نویسندگان و روشنفکران»، مقاله‌ای که آن را اساساً برای کنفرانسی دانشگاهی برای اهل قلم که در سال ۲۰۰۰ در دانشگاه آکسفورد برگزار شد نوشتم. این نوشته نیز تحت تأثیر جو خاصی که از وقایع تکان‌دهنده ۱۱ سپتامبر بر همه ما تحمیل شد از تغییرات مصون نماند، اما مایلیم بگویم که بحث اصلی، همان‌طور که بود، دست‌نخورده باقی مانده است.

ادوارد سعید

نیویورک، مه ۲۰۰۳